

The Reform of the United Nations Security Council: Essential but Elusive

Saeed Rajabi¹, Seyed Baqer Mirabbasi², Sohrab Salahi³

¹ PhD student, Department of International Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.
saeidvafal1926@gmail.com

² Professor, Department of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
(Corresponding author). Merabbassi.parselo@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Imam Hossein University (AS),
Tehran, Iran. Salahi.sohrab@gmail.com

Abstract

The purpose of this study is to examine the reform of the United Nations Security Council. The research method is descriptive-analytical, and the findings show that, given the fundamental changes in the global political, security, and economic arenas—creating a vastly different environment from the time of the United Nations' establishment in 1945—reforming the structure of the United Nations, particularly the Security Council, to make this international body more efficient, is an undeniable necessity. However, since the nature of the relationships within the United Nations, especially the Security Council, reflects the structure and distribution of power at the international level, the interests of major powers serve as a significant barrier to changing the structure of this international institution. Factors such as the United States' unilateralism within the UN, the veto power, and the lack of agreement among members on a specific reform plan suggest that achieving reform in the Security Council will be challenging. The absence of a unified stance among members further complicates the issue.

Keywords: Security Council, United Nations, Veto Power, United States, International Institutions.

اصلاح شورای امنیت سازمان ملل، مهم اما نایافتنی

سعید رجبی^۱، سید باقر میرعباسی^۲، سهراب منلاحی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین‌الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

saeidvafa1926@gmail.com

^۲ استاد، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Merabbassi.parselo@gmail.com

^۳ استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

Salahi.sohrab@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اصلاح شورای امنیت سازمان ملل است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که با توجه به تغییرات بنیادینی که در عرصه سیاسی، امنیتی و اقتصادی جهان رخ داده و فضایی بسیار متفاوت از زمان تشکیل سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ بر نظام بین‌الملل حکم‌فرما شده است، اصلاح ساختار سازمان ملل، به‌ویژه شورای امنیت، با هدف کارآمدتر شدن این نهاد بین‌المللی ضرورتی انکارناپذیر است. اما از آنجایی که نوع مناسبات حاکم در سازمان ملل و به‌ویژه شورای امنیت، بازتابی از ساختار قدرت و چگونگی توزیع قدرت در سطح بین‌المللی است، منافع قدرت‌های بزرگ مانعی اساسی برای تغییر ساختار این نهاد بین‌المللی به‌شمار می‌رود. با توجه به عواملی چون یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده در سازمان ملل، حق وتو و عدم توافق اعضا در مورد طرحی مشخص، به نظر می‌رسد که تحقق اصلاحات در شورای امنیت، دشوار خواهد بود. عدم اتخاذ موضع واحد، مشکلات اعضا را در این موضوع بیشتر می‌کند.

کلیدواژه‌ها: شورای امنیت، سازمان ملل متحد، حق وتو، آمریکا، نهادهای بین‌المللی.

استاد به این مقاله: رجبی، سعید؛ میرعباسی، سید باقر؛ منلاحی، سهراب (۱۴۰۳). اصلاح شورای امنیت سازمان ملل، مهم اما نایافتنی.

سیاست‌پژوهی ایرانی، ۱۱(۲)، ص ۸۷-۱۰۶.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

شورای امنیت، مهم‌ترین رکن سازمان ملل متحد می‌باشد و مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را طبق منشور ملل متحد برعهده دارد. با توجه به اهمیت شورای امنیت در عرصه بین‌المللی و تأثیر تصمیمات آن بر اعضای سازمان ملل متحد و تغییرات حاصله در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در جهان معاصر، لزوم تجدیدنظر در ساختار این نهاد بین‌المللی احساس می‌شود. در میان بسیاری از موضوعات نگران‌کننده بین‌المللی، سازمان ملل متحد از اهمیت بیشتری برخوردار است. بانک جهانی در راستای فشارهای سازمان‌های غیردولتی و سایرین، موضوعات محیطی را در فرآیند تصمیم‌گیری خود گنجانده است (نیلسون و تیرنی^۱، ۲۰۰۳)، و تأسیس دادگاه جنایی بین‌المللی^۲ و پروتکل کیوتو، اگرچه که در سطح جهانی مورد استقبال قرار نگرفته است، اما نشان می‌دهد که انگیزه قابل‌توجهی در بسیاری از بخش‌های دنیا برای ارائه راه‌حل‌های جدید و گسترده برای مشکلات دنیا وجود دارد. همزمان با این تغییرات اساسی در سازمان‌های دیگر، پیکربندی و ساختار شورای امنیت سازمان ملل^۳ به‌طور بارزی ثابت مانده است؛ زیرا شورای امنیت سازمان ملل، حق و تورا به فاتحان جنگ دوم جهانی واگذار کرد و از ورود کشورهای شکست‌خورده در جنگ، در ساختار شورا مانع شد و همچنین یک مانع ورودی بزرگ برای قدرت‌هایی که پتانسیل قوی برای حضور در شورا داشتند، ایجاد کرده است، تا از این طریق بتوانند منافع خودشان را که از جنگ اخیر بدست آورده‌اند، دنبال کنند (ایکنبری^۴، ۲۰۰۱). ماهیت قدیمی ساختار نهادی شورای امنیت سازمان ملل باعث شده است تا تقاضاهای پیوسته در راستای اصلاحات نهادی اساسی شکل بگیرد. مثلاً عده‌ای معتقدند که «فرانسه باید از شورای امنیت سازمان ملل بیرون گذاشته شود» و اکثر دولت‌ها پشتیبانی منسجم خود را مبنی بر ایجاد شورای امنیت سازمان ملل با نمایندگان بیشتر، کارآمد و شفاف در چندین قطع‌نامه سالیانه مجمع عمومی ابراز داشته‌اند، ولی این موضوع هنوز از سطح بحث‌ها و گفتگوهای کمیته‌ها و دیپلمات‌های سطح پایین، بالاتر نرفته است (راست^۵، ۲۰۰۵). این احساس عمومی را به‌خوبی وجود دارد که «بحث اصلاح وجود دارد، ولی هنوز کاری صورت نگرفته است» (راست، ۲۰۰۵م، ص ۱۵۵).

۲. پیشینه پژوهش

تحقیقات مرتبط با شورای امنیت سازمان ملل در چند گروه قرار می‌گیرند:

1. Nielson and Tierney
2. JCC
3. UNSC
4. Ikenberry
5. Bruce Russett

♦ تحقیقاتی که به‌جایگاه شورای امنیت در ایجاد صلح و امنیت جهانی پرداخته‌اند. در این متون به‌جایگاه شورای امنیت سازمان ملل در ایجاد صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین عوامل مؤثر بر ناکارآمدی شورای امنیت در انجام این مهم پرداخته شده است؛ از جمله تحقیقات دانشمند (۱۳۹۸)؛ سجادی‌پور و آقامحمدی (۱۳۹۴)، ملینگ^۱ (۲۰۱۷)، بابایی (۱۳۹۴)، مجتهدی (۱۳۹۱)، اسدی (۱۳۹۸).

♦ متونی که به اختیارات شورای امنیت در حق وتو پرداخته‌اند. در این متون به بیان موارد کاربرد حق وتوی شورای امنیت، و اجرای وظایفی که به‌موجب این مسئولیت برعهده دارد، اشاره شده است؛ از جمله تحقیقات نیکولز^۲ (۲۰۱۹)، مک کلوچ^۳ (۲۰۱۹)، ایمانولای^۴ (۲۰۱۸)، کمپوز^۵ (۲۰۱۸)، رحیمی دستجردی (۱۳۹۱)، چهل تنی (۱۳۸۸).

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از آن است که در تحقیقات عمدتاً به حق وتو و شورای امنیت و جایگاه آن در صلح و امنیت بین‌المللی توجه شده و از عامل «اصلاح در شورای امنیت» کمتر سخن به میان آمده که نوآوری پژوهش حاضر را شکل می‌دهد.

۳. مبانی نظری

توماس وایس (۲۰۱۱) استاد دانشگاه کلمبیای نیویورک، معتقد است که بوروکراسی سنگینی بر سازمان ملل حاکم بوده و گفتگوهای جدی در بدنه سازمان ملل وجود ندارد. سخنرانی سالانه سران در واقع یک مضحکه دیپلماتیک است که به یک بحث جدی و اجماع نظر منجر نمی‌شود. تداخل و همپوشانی فعالیت میان نهادهای سازمان ملل وجود دارد، مثلاً در یک موضوع چند نهاد با هم فعالیت می‌کنند. برابری حاکمیت دولت‌ها در سازمان ملل مشهود نیست. وی اصلاح در شورای امنیت را توهمی بیش نمی‌داند. او اصلاح در ساختار، کارکرد، ترکیب و رویه جاری در شورای امنیت را مورد بررسی قرار داده و برخلاف بسیاری از مدافعان برابری در عرصه حقوق بین‌الملل، حذف حق وتو را به صلاح نمی‌بیند و در مقابل، راهکارهای دیگری را برای نیل به برابری بیشتر - و نه برابری مطلق - پیشنهاد می‌دهد. به نظر وی دبیرکل‌های سازمان ملل به‌طور معمول در نطق‌های اولیه خود، از واژه «اقدامات اصلاحی» استفاده می‌کنند که صرفاً تغییرات در پرسنل و حوزه مدیریتی را دربرمی‌گیرد. ماده ۱۰۸ منشور به نحو مؤثری مقرر می‌دارد که هرکدام از این پنج قدرت دائمی شورای امنیت، با در

1. Graham Melling

2. Michelle Nichols

3. Allison McCulloch

4. Florence Emmanuela

5. Rodrigo Campos

اختیار داشتن کارت پیروزی و تو می‌توانند بر هر تلاشی که در پی تضعیف اختیارات رسمی‌شان است، فائق بیایند، اگرچه تقریباً همه کشورهای دیگر عضو ملل متحد این حق را با عنوان «نابرابر» مورد نقد قرار می‌دهند.

شوارتزیبرگ (۲۰۱۳)، استاد بین‌المللی دانشگاه مینه‌سوتا نیز در کتاب «تحول نظام ملل متحد: طرح‌هایی برای یک جهان کارآمد» معتقد به اصلاح مجمع عمومی و چگونگی رأی‌دهی وزنی، تشکیل «مجمع پارلمانی جهانی» با صلاحیت قانون‌گذاری جهانی می‌باشد. وی در این اثر اصلاح شورای امنیت، کاهش و افزایش تعداد اعضای شورای امنیت و حذف حق وتو را مورد بحث قرار داده است. پیشنهاد دیگر وی تشکیل «شورای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی» به جای «شورای اقتصادی، اجتماعی»، و نیز یک شورای حقوق بشری قدرتمند می‌باشد. همچنین در مورد اصلاح «نظام قضایی ملل متحد نیز توصیه‌هایی را مطرح می‌کند (سیمبر، ۱۳۷۴، ص ۹۹۷). برخی از پیشنهادات شوارتزیبرگ، پیشنهادات نهادی برای بازتعریف ریشه حکمرانی ملل متحد از چارچوب‌های نهادهای موجود (مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای حقوق بشر و غیره) بوده و به دنبال افزایش کارایی و نمایندگی اعضا است. شوارتزیبرگ یک ساختار حکمرانی جدید جهانی، مبتنی بر یک «سیستم قانون اساسی حکومت جهانی فدرال دموکراتیک» را مطرح می‌کند که همکاری بین دولت و بازیگران غیردولتی را افزایش می‌دهد که در قوه قانون‌گذاری جهانی دومجلسی که یکی مجمع عمومی است که دولت‌ها را نمایندگی کند و دیگری مجمع پارلمانی جهانی که نماینده مردم باشد، متبلور شده است.

۴. پیشینه اصلاح ساختار شورای امنیت

در این قسمت سابقه و تاریخچه بحث اصلاحات شورای امنیت در دو مقطع جنگ سرد و پس از ۱۹۹۰ بررسی می‌شود.

۴-۱. اصلاح شورا در دوران جنگ سرد

بلافاصله پس از اولین اجلاس در سال ۱۹۴۵، شورای امنیت به محلی برای استدلال‌های تفرقه‌افکنانه دولت‌ها به جای حل و فصل مناقشات از طریق اقدام دسته‌جمعی تبدیل شد (هیوم، ۱۳۷۶، ص ۳). نتیجه کنفرانس سانفرانسیسکو در سال ۱۹۴۵، توسط شرکت‌کنندگان مورد پذیرش واقع شده بود. از سوی دیگر، در آن زمان مذاکرات عملی در مورد مقررات سازمان جدید در دست دو بازیگر عمده، ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی بود.

با گسترش اعضای سازمان ملل و افزایش خوداتکافی در میان اعضای جدید همگام با روند

استعمارزدایی، ساختار و روش‌های قدیمی به نحو چشمگیری به چالش کشیده شدند. عدم تعادل بین تعداد کرسی‌ها در شورای امنیت و تعداد کشورهای عضو سازمان ملل هم مشهود بود (ویس، ۲۰۰۳م، ص ۱۴۹). فشارها برای تغییر و اصلاح در دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ ادامه یافت. اعضای جنبش عدم‌تعهد برنامه‌ای را با هدف «افزایش دموکراسی» و «تضمین مشارکت گسترده دولت‌های عضو» در روند تصمیم‌گیری سازمان ملل متحد ارائه کردند. با این وجود، به دلیل رقابت ابرقدرت‌ها که مانع هرگونه تلاشی در جهت اصلاحات می‌شد، هیچ نوع پیشرفتی در آن زمان نمی‌توانست صورت گیرد.

۴-۲. اصلاح شورا بعد از ۱۹۹۰

با پایان جنگ سرد و همزمان با آن افزایش فعالیت شورای امنیت سازمان ملل، انگیزه‌ای را برای تغییرات دیگر فراهم نمود (هارد^۱، ۲۰۰۸م، ص ۲۰). شورای امنیت دیگر محلی برای رقابت ابرقدرت‌ها نبود و اکنون می‌توانست وظایفش را یعنی حفظ صلح و امنیت جهانی مطابق با ماده ۲۴ منشور ملل متحد انجام دهد. حل بحران ایران-عراق و اجماع در مورد عملیات نظامی در بحران خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ ایده شورای امنیت فعال و مؤثر را ممکن ساخت. با این حال عدم نمایندگی و اشغال شورای امنیت سازمان ملل توسط پنج عضو دائم هنوز وجود داشت و مشروعیت شورای امنیت تضعیف شده بود (ویس، ۲۰۰۳م، ص ۱۵۰). بحث اصلاح شورای امنیت از همان آغاز شکل‌گیری سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ مطرح بوده است. چون اساساً نارضایتی از عملکرد شورای امنیت در طول تاریخ سازمان ملل همواره وجود داشته است و در این میان عده‌ای بر آن بوده‌اند تا از این رهگذر کاستی‌ها و نقاط ضعف آن را جبران کنند. اما این بحث به صورت جدی از ۱۹۹۰ به بعد و پس از فروپاشی نظام دوقطبی و افزایش فعالیت شورای امنیت آغاز شده و به طور رسمی در دستور کار مجمع عمومی قرار گرفته و حتی گروه کاری ویژه‌ای در این زمینه در مجمع عمومی تشکیل شده است.

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. مدل‌های پیشنهادی اصلاح شورای امنیت سازمان ملل

در ادامه به برخی مدل‌ها و طرح‌های پیشنهادی در راستای اصلاح شورای امنیت سازمان ملل پرداخته می‌شود:

1. Weiss
2. Hurd

۵-۱-۱. طرح گروه ۴

این گروه شامل آلمان، ژاپن، برزیل و هند است که در پنجاه و نهمین نشست سران مجمع عمومی، رهبران این چهار کشور موافقت کردند که از عضویت دائم یکدیگر در شورای امنیت حمایت کنند (امیری وحید، ۱۳۸۴، ص ۷۳). اعضای گروه ۴ از این واقعیت آگاهاند که برای کسب کرسی دائم در شورای امنیت نیاز به جلب دوسوم آرای مجمع عمومی می‌باشد که اکثر آن‌ها را دولت‌های در حال توسعه از آفریقا و آسیا تشکیل می‌دهند. بر همین اساس سعی دارند با در نظر گرفتن کرسی‌های دائمی و غیردائمی برای آن‌ها، موافقت و نظر این کشورها را جلب کنند (فلامینی^۱، ۲۰۰۵). علی‌رغم حمایت اولیه آمریکا از این گروه، به علت مخالفت آلمان با حمله آمریکا به عراق در ۲۰۰۳، و سوابق رأی‌های هند و برزیل در مجمع عمومی، آمریکا در حال حاضر توجه خود را تنها بر ژاپن متمرکز کرده است.

۵-۱-۲. طرح اتحادیه آفریقا

اتحادیه آفریقا بر تأمین حق مشروع آفریقا براساس موقعیت جغرافیایی‌شان و اینکه هرگونه اصلاحاتی در سازمان ملل باید تمام ارکان آن از جمله شورای امنیت را دربرگیرد، تأکید می‌کند. در این قاره مصر، آفریقای جنوبی و نیجریه جلودار مدعیان عضویت دائم در شورای امنیت هستند. طبق طرح این اتحادیه با افزایش ۶ کرسی دائم با حق وتو و ۵ کرسی غیردائم، اعضاء شورا را باید به ۲۶ عضو رساند. از ۶ کرسی دائم، به آسیا و آفریقا هرکدام ۲ کرسی و به گروه اروپای غربی و سایرین و نیز امریکای لاتین و حوزه کارائیب هرکدام یک کرسی می‌رسد (اوکامو^۲، ۲۰۰۵). در توزیع ۵ کرسی غیردائم نیز آفریقا ۲ کرسی و آسیا، اروپای شرقی، امریکای لاتین و حوزه کارائیب هرکدام یک کرسی باید داشته باشند.

۵-۱-۳. طرح‌های گروه کاری بدون محدودیت

براساس این طرح توزیع کرسی‌های غیردائم دوساله تازه و کنونی به صورت زیر خواهد بود: چهار کرسی برای قاره آفریقا، سه کرسی برای قاره آسیا و اقیانوسیه، دو کرسی برای اروپا و چهار کرسی برای آمریکا. در این طرح تمام ۱۳ کرسی غیردائم، دوساله و تجدید نشدنی خواهد بود. در این مدل هیچ کرسی دائم پیش‌بینی نشده است اما گروه تازه‌ای از هشت کرسی تجدید شدنی چهارساله و یک کرسی تازه غیردائم و تجدید نشدنی دوساله که بین حوزه‌های منطقه‌ای مهم تقسیم خواهد شد، ایجاد می‌شود. بر اساس این مدل، توزیع کرسی‌های چهارساله تجدید شدنی این‌گونه خواهد بود که

1. Flamini
2. Okumu

به هر حوزه منطقه‌ای (آفریقا، آسیا و اقیانوسیه، اروپا و آمریکا) دو کرسی اختصاص می‌یابد (مارتینی^۱، ۲۰۰۹). بر پایه این طرح توزیع کرسی‌های غیردائم و تجدید نشدنی دوساله این‌گونه خواهد بود که به حوزه منطقه‌ای آفریقا چهار کرسی، به آسیا سه کرسی، به اروپا یک کرسی و به آمریکا سه کرسی تعلق می‌گیرد.

۵-۱-۴. طرح‌های «گروه اتحاد برای اتفاق»

به نظر این گروه طرح گروه ۴ برای افزایش شمار اعضای شورای امنیت تبعیض‌آمیز است و هژمونی‌های سطحی در سراسر جهان ایجاد می‌کند که در کار شورای امنیت اخلال و کندی ایجاد خواهد کرد. این گروه معتقد است که هرگونه گسترش در شورای امنیت باید آن را دموکراتیک‌تر، شفاف‌تر، مؤثرتر و پاسخگوتر کند. این گروه در رابطه با گسترش شورا در آوریل ۲۰۰۵ دو مدل موسوم به مدل آبی و مدل سبز ارائه کردند. ایتالیا نیز به‌صورت مستقل در راستای تقسیم‌بندی‌های منطقه‌ای، مدلی را ارائه کرده است.

الف) مدل آبی: در این مدل کرسی‌های بلندمدت‌تری پیشنهاد شده است. براساس این الگو، افزون‌بر اینکه شماری کرسی غیردائم افزوده خواهد شد، کرسی‌های طولانی‌تر سه یا چهارساله نیز ایجاد می‌شود و شانس‌گزینش دوباره کشورها برای این کرسی‌ها وجود دارد.

ب) مدل سبز: براساس این مدل، ۱۰ عضو جدید به شورای امنیت اضافه می‌شود که این گسترش فقط در بخش اعضای غیردائم شورا خواهد بود و تمام ۲۰ عضو غیردائم برای مدت دو یا سه‌ساله قابل تجدید از سوی مجمع عمومی انتخاب می‌شوند.

ج) مدل منطقه‌ای ایتالیا: این مدل ضمن حفظ گروه‌بندی‌های منطقه‌ای در انتخاب اعضای غیردائم شورای امنیت و مجمع عمومی (آسیا، آفریقا، اروپای غربی و سایر کشورها، امریکای لاتین و حوزه کارائیب و اروپای شرقی) ۱۰ کرسی دائم جدید بدون حق و تورا برای مناطق، و نه کشورهای خاص در نظر گرفته است.

در بین طرح‌های مطرح‌شده در این عرصه، طرح و تلاش چهار کشور آلمان، ژاپن، هند و برزیل در قالب گروه چهار مورد توجه است. گروه چهار با برخورداری از ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود درصدد اصلاح مهم‌ترین رکن ملل متحد یعنی شورای امنیت برآمده و در ضمن آن خواستار تکیه زدن بر کرسی دائم این شورا می‌باشد. هر یک از این کشورها برای تصاحب عضویت دائم، از فرصت‌هایی ویژه برخوردار بوده و با موانع متعددی روبه‌رو هستند. مجموعه گروه چهار نیز به همین

ترتیب ضمن برخورداری از نقاط قوت، با چالش‌های جدی روبه‌رو است. در میان اعضای گروه چهار، برزیل که از جمله کشورهای در حال توسعه است، با افزایش توانایی‌های داخلی و فعالیت‌های بین‌المللی خود، مشارکت گسترده جهانی را رقم زده و در صدد است به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت آمریکای لاتین، با کسب عضویت دائمی شورای امنیت، حضور فعالی در معادلات جهانی داشته باشد. استفاده از فرصت‌های موجود و چگونگی برخورد با چالش‌های متعدد، آزمونی است که در پیش روی گروه چهار و برزیل قرار دارد.

۵-۲. فعالیت ناگهانی شورای امنیت سازمان

مؤسسان سازمان ملل سعی کردند تا ترکیب نهادی را با استفاده از ایجاد یک مانع بلند برای تغییر در منشور قفل کنند (راست، ۲۰۰۵). در حالی که، اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، این موانع نهادی نسبت به بیشتر نهادهای بین‌المللی ضعیف‌تر هستند. اصلاحات منشور به دوسوم رأی اعضای مجمع عمومی سازمان ملل و دوسوم رأی اعضای سازمان ملل که شامل اعضای دائم شورای امنیت نیز باشد، نیاز دارد (ماده ۱۰۸ منشور). علاوه بر آن، تجربیات اصلاح منشور در سال ۱۹۶۳ که شورای اجتماعی و اقتصادی و شورای امنیت را گسترش می‌داد، نشان می‌دهد که پویایی فرآیند اصلاح می‌تواند اعضای دائم را تحت فشار قرار دهد. فرانسه و اتحاد جماهیر شوروی بر علیه گسترش شورای امنیت در مجمع عمومی رأی دادند، در حالی که ایالات متحده آمریکا و بریتانیا رأی ممتنع دادند، چین به قسمت دوم پیشنهاد اصلاح مبنی بر گسترش شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل رأی ممتنع داد. بنابراین، همه اعضای دائم شروطی در بین آرای مجمع بیان کردند. با وجود این، همه اعضای دارای حق وتو، دو سال بعد از این آراء، اصلاحیه را تصویب کردند که احتمال دارد در واکنش به فشارهای دولت‌های غیر هم‌راستا، به خاطر اینکه وفاداری‌شان در جنگ سرد در خطر بوده، باشد (لاک، ۲۰۰۳؛ بورانتونیس^۱، ۲۰۰۵).

اگرچه موانع نهادی، اصلاحات خاص بخصوص اصلاح حق وتو را غیرمحمتمل می‌سازد، اما وقتی حق وتو در مورد مسائل جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تا حدی تأثیرگذار است که کشورهایی که این حق را ندارند، ارزش زیادی به تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل قائل هستند (وتن^۲، ۲۰۰۵). اگر سایر کشورهای جهان برای اصلاح ساختار شورای امنیت با یکدیگر هم‌صدا شوند، اعضای دارای حق وتو نمی‌توانند در مقابل این تصمیم مقاومت نمایند. عدم همکاری کشورها برای اصلاح شورای امنیت، سودمندی شورای امنیت برای اعضای دائم آن باقی خواهد ماند

1. Bourantonis
2. Voeten

(اکسلرود^۱، ۱۹۹۸). در حالی که تهدیدات معنی‌دار مبنی بر عدم ادامه همکاری با شورای امنیت سازمان ملل در صورت اصلاح نشدن ساختار آن یا تلاش‌های معنی‌دار برای همکاری در مورد پیشنهادات مبنی بر اصلاح این ساختار مشاهده نمی‌شود. در مقابل برخی از کشورها که به‌طور عمومی در حسرت عضویت دائم در شورای امنیت هستند، قبول دارند که موضوع اصلاح پیش‌نرفته است و حتی آن‌ها حالت نزولی، و نه حالت صعودی برای عضویت دائم خودشان در نظر می‌گیرند (لاک، ۲۰۰۲م، ص ۶۴). دومین و سومین کمک‌کننده به سازمان ملل (ژاپن و آلمان) همکاری خود را با سازمان ملل ادامه می‌دهند و قانون مجوز سازمان ملل، شرط مشارکت نظامی در مداخله‌ها را اجرا می‌کنند (بیکر^۲، ۱۹۹۵م، ص ۲۸۷)، علی‌رغم اینکه از عضویت در شورای امنیت سازمان ملل برخوردار نیستند. بنابراین، اگرچه موانعی برای اصلاح ساختار شورای امنیت وجود دارد، اما چرا دیگر کشورهایی که احساس اصلاح شورای امنیت را دارند، به تصمیمات آن ارزش قائل هستند و تلاش‌های کمی برای اصلاح سازمان انجام می‌دهند.

۶. ارزیابی یافته‌های تحقیق

۶-۱. ضرورت‌های اصلاح ساختار شورای امنیت بعد از ۱۹۹۰

وقتی صحبت از مشروعیت شورای امنیت در مفهوم سیاسی آن می‌شود، معمولاً به ترکیب این شورا و حق وتوی اعضای دائم اشاره می‌گردد. در شورای امنیت، گروه کوچکی از دولت‌ها از برخی امتیازات از جمله کرسی دائم و حق وتو برخوردارند. هنگامی که سازمان ملل متحد تأسیس گردید، این عدم تجانس یا نابرابری بین کشورها نگرانی‌هایی را در میان کشورهای کوچک‌تر به وجود آورد. «اما قدرت‌های بزرگ» آن زمان اظهار داشتند که این نابرابری از شرایط اساسی جهت پیوستن آن‌ها به سازمان ملل متحد است. از آنجاکه عملکرد مؤثر سیستم امنیت دسته‌جمعی به مشارکت قدرت‌های بزرگ بستگی داشت، کشورهای کوچک‌تر وابسته تا حدی با اکراه با اعطای امتیازات خاص در چارچوب منشور موافقت نمودند (شویگمن^۳، ۲۰۰۱م، ص ۲۸۸).

طی سال‌های جنگ سرد، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در صحنه بین‌المللی وجود داشت. قدرت نسبی انگلیس و فرانسه کاهش یافت، در حالی که سایر دولت‌ها، مخصوصاً آلمان و ژاپن و نیز تعدادی از دولت‌های واقع در نیم‌کره جنوبی، جایگاهشان را ارتقاء دادند. اوج‌گیری روند استعمارزدایی در دهه ۱۹۶۰ و متعاقباً پذیرش تعداد زیادی از دولت‌های تازه استقلال‌یافته در سازمان ملل، که عمدتاً

1. Axelrod
2. Baker
3. Schweigman

از آفریقا و دیگر بخش‌های جهان در حال توسعه بودند، از تغییرات مهم دیگر در این زمینه بود (تامن^۱، ۲۰۰۰م، ص ۳۵). این در حالی است که مطابق با نظر هیأت عالی‌رتبه، کرسی‌های دائم بایستی به کشورهای ای اختصاص یابد که به لحاظ تأمین بودجه سازمان ملل و تأمین نیرو، در فهرست سه کشور اول هر منطقه قرار دارند (افوآکو و اوگاگا^۲، ۲۰۰۱م، ص ۱۶۲). هیأت عالی‌رتبه بیان می‌کند که تغییر ساختار شورای امنیت بایستی میزان دموکراتیک بودن و پاسخگو بودن آن را افزایش دهد. از زمان تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، آمریکا بیشترین سهم را در تأمین بودجه سازمان ملل داشته است. آمریکا در حال حاضر بیش از ۲۲ درصد از بودجه سازمان ملل را تأمین می‌کند. فرانسه ۴/۶ درصد، انگلیس ۴/۵۴ درصد، چین ۱/۵۳ درصد و روسیه ۱/۲ درصد در تأمین این بودجه سهم دارند. آمریکا، ژاپن و آلمان در مجموع ۵۱/۳ درصد از بودجه سازمان ملل را تأمین می‌کنند (مطلبی، ۱۳۸۵، ص ۶۳).

براساس آمار سال ۲۰۰۶ پس از آمریکا که ۲۲ درصد بودجه سازمان ملل را تأمین می‌کند، ژاپن با ۱۹/۴۶۸ درصد و آلمان با ۸/۶۶۲ درصد به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند (بلوم^۳، ۲۰۰۵م، ص ۶۳۸). در حالی که کمک ایالات متحده به سازمان ملل در حدود ۲۲ درصد است، سهم ژاپن از این کمک‌ها در بین سال‌های ۱۹۸۵ و ۲۰۰۲ از ۱۱/۸۲ درصد به ۱/۱۵ درصد افزایش یافت. در نقطه مقابل این افزایش، کمک روسیه از ۱۱/۹۸ درصد به ۱/۱۵ درصد کاهش یافت که نشان‌دهنده کاهش قلمرو این کشور و مشکلات اقتصادی آن پس از جنگ سرد است. کمک‌های مالی روسیه به سازمان ملل (که هم‌اکنون به‌عنوان کشور در حال گذار توصیف می‌شود) نسبت به قدرت‌های در حال ظهور از جمله برزیل، کره جنوبی و چین کاهش یافته است.

ترکیب فعلی شورای امنیت، مطلوب اکثر کشورهای جهان نیست. به نظر می‌رسد به‌جز اعضای دائم شورای امنیت، سایر کشورها با ترکیب فعلی این شورا موافق نباشند. گروه کاری ویژه‌ای که در چند سال گذشته وظیفه بررسی اصلاح ساختار شورای امنیت را برعهده داشته است، به علت اختلاف نظر فاحش کشورها در این مورد، پیشرفت اندکی داشته است (آقایی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۴-۲۰۳). حامیان اصلاحات گسترده شورای امنیت اغلب می‌پرسند، اگر سازمان ملل متحد طبق بند ۱ ماده ۲ منشور مبتنی بر اصل برابری حاکمیت همه اعضای آن است، پس چرا باید اینگونه نابرابری‌ها در حقوق و امتیازات اعضا وجود داشته باشد؟ (لاک، ۲۰۰۶م، ص ۲۰). با آنکه شورای امنیت پس از پایان

1. Tammen
2. Afoaku & Ukaga
3. Blum

جنگ سرد هنوز به‌عنوان ارگان فعال تصمیم‌گیری ملل متحد شناخته شده است، با این‌وجود ترکیب کنونی اعضای آن، واقعیت سیاسی و اقتصادی سال‌های گذشته را منعکس می‌کند. اگر قرار باشد فعالیت‌های شورای امنیت در تمام نقاط جهان مورد پذیرش واقع شود، لازم است این نهاد نقش بیشتری را در نمایندگی و ارائه دیدگاه‌های گوناگون ایفا کند (ملکی، ۱۳۷۴، ص ۹۷۷). برای اینکه تصمیمات شورای امنیت تأثیرگذارتر باشد، باید اعضای دیگری هم به ترکیب آن اضافه شوند و اصلاحاتی در ساختار آن صورت گیرد؛ زیرا ترکیب کنونی آن، مشروعیت این نهاد را در مورد اینکه نماینده چه بخشی از جهان باشد، از بین برده است. امروزه مناطق بزرگی چون آفریقا و آمریکای لاتین در شورای امنیت نماینده دائم ندارند (آقایی، ۱۳۸۴، ص ۹۴).

۶-۲. محورهای مهم اصلاح ساختار شورای امنیت

اساساً در بررسی اصلاحات ساختار سازمان ملل، نظریه‌های گوناگون روابط بین‌الملل وارد عرصه تجزیه و تحلیل شده‌اند. در این میان، نظریه رژیم‌های بین‌المللی با بهره‌گیری از قابلیت‌های نهادگرایانه خود، ضمن تعریف سازمان ملل متحد به‌عنوان یک رژیم بین‌المللی، به موضوعات گوناگونی از جمله تغییر و اصلاح این نهاد بین‌المللی می‌پردازد. جنبش عدم‌تعهد و گروه کشورهای اسلامی نیز می‌توانند پیشنهاد‌های اصلاحی خود در زمینه اصلاح ساختاری و محتوایی سازمان ملل را مطرح کرده و به‌پیش ببرند. هر ساله هم‌زمان با برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ایده‌هایی مبنی بر اصلاح ساختار سازمان ملل و نیز شورای امنیت را برخی کشورها مطرح می‌کنند. واقعیت این است که ارتقای نقش سازمان ملل برای مهار بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در گرو اصلاحات ساختاری در این سازمان است.

اساس شکل‌گیری این سازمان برخاسته از تحولات جنگ جهانی دوم بود و ساختار آن براساس شرایط سیاسی جهان پس از جنگ جهانی دوم طراحی شده است؛ در حالی که هم‌اکنون بحران‌های سیاسی و امنیتی جهان چهره‌ای دیگر به خود گرفته است. اهمیت برخی کشورها در نقش‌آفرینی و مهار بحران‌های منطقه‌ای و جهانی در ساختار فعلی شورای امنیت منعکس نشده است. این منطق را می‌توان قوی‌ترین استدلال موافقین اصلاح ساختار سازمان ملل دانست. علاوه بر آن، منطق و تو نیز خود عامل جدی برای کاهش نقش مؤثر سازمان ملل و شورای امنیت است. این منطق، جهان را جدال قطب‌بندی‌های مختلف میان قدرت‌های بزرگ خواهد کرد و منافع اعضای دائم شورای امنیت را در اولویت قرار می‌دهد و حتی خود در مواقعی باعث بحران نیز شده است. بنابراین، شکل مطلوب ساختار شورای امنیت باید فارغ از جولان قدرت‌های بزرگ تعریف شود و همین‌طور بر تحولات سیاسی پیش رو در قرن بیست و یکم منطبق باشد.

هرچند زمره‌های اصلاح ساختار سازمان ملل از بدو تأسیس آن مطرح بود، اما هیچ‌گاه ضرورت چنین اصلاحاتی تا این حد ملموس نبود. بعد از خاتمه جنگ سرد، اتفاق نظر در این مورد که شورای امنیت با ترکیب کنونی منعکس‌کننده ترکیب جامعه بین‌المللی در دوران معاصر نیست، بیش از پیش قوت گرفت و موجب شد تا اصلاح ساختار شورای امنیت از سال ۱۹۹۳ به این سو، در دستور کار مجمع عمومی سازمان ملل قرار گیرد و یک گروه کاری مرکب از کلیه اعضای سازمان ملل مأمور تدارک آن شود. امروزه، در پرتو تحولات بنیادینی که پس از جنگ سرد در روابط بین‌الملل رخ داده و مسائل جدیدی که در برابر جامعه جهانی مطرح شده است، تقریباً همه اعضای سازمان ملل متحد، در خصوص اصل تغییر ترکیب و جایگاه قدرت و روش تصمیم‌گیری در شورای امنیت اتفاق نظر دارند. اما پیشنهادات و طرح‌های آنان برای عملی ساختن این امر، بسیار متفاوت است و به همین جهت به‌رغم بحث و بررسی و تشکیل گروه کاری، طی سال‌های گذشته این موضوع پیشرفت چندانی نداشته است. در واقع، شورای امنیت مهم‌ترین نهاد بین‌المللی است که قدرت‌های بزرگ و متوسط پیوسته کوشش داشته‌اند تا از یک سو قدرت خود را به نحوی در آن منعکس ببینند و از سوی دیگر مانع انعکاس قدرت رقبای خود در آن شوند و همین موضوع مانع اصلی اصلاحات در شورای امنیت شده است. اصلاح ساختار شورای امنیت عمدتاً در دو محور افزایش اعضا و حق وتو دنبال می‌شود و لذا در این زمینه تقاضاها و پیشنهادات متعددی مطرح شده است.

۶-۲-۱. اصلاح ترکیب شورای امنیت

اصلاحات سازمان ملل بحث نو و جدیدی نیست و از زمان تأسیس سازمان ملل پیش‌بینی شده است. در منشور سازمان ملل در فصل ۱۸، مواد ۱۰۸ تا ۱۱۰ به اصلاحات در سازمان ملل اشاره شده است. در واقع یکی از محاسن سازمان ملل و بانیان آن، این است که موضوع نیاز به اصلاح را در منشور سازمان پیش‌بینی کرده است. در قرن بیست و یکم برعکس قرون گذشته، مسابق چندگانه‌ای در حوزه‌های اقتصادی، تسلیحاتی، حقوق بشری، ارتباطات، جهانگردی، فرهنگی و تمدنی به وجود آمده که به‌عنوان معیارهای اساسی حقوق و روابط بین‌المللی، در این قرن ضرورت اصلاحات ساختاری و محتوایی را در سازمان ملل اجتناب‌ناپذیر ساخته است. اصلاحات ساختاری یعنی در برخی از نهادها، ارکان و آژانس‌های سازمان ملل حذف، جابجا، ایجاد و یا اصلاح شوند. اصلاحات محتوایی نیز یعنی تغییر در منشور سازمان ملل و هنجارهای حاکم و موجود در آن. در اصلاحات ساختاری شورای امنیت، به‌خصوص اعضای دائم آن باید افزایش یابند. راه‌اندازی کمیسیون صلح می‌تواند مقدمه‌ای بر تأمین هرچه بیشتر صلح و امنیت جهانی داشته باشد. در اصلاحات محتوایی، مواردی همچون زمامداری، مسئولیت حمایت در نبود مداخلات بشردوستانه، بحث حقوق زنان و

محیطزیست می‌تواند به شورای امنیت در وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی یاری رساند. در نهایت باید تأکید کرد که اگرچه سازمان ملل متحد، کارگزار و نهاد اجراکننده خواسته‌های دولت‌های عضو به‌ویژه پنج عضو دائمی شورای امنیت بوده، ولی توانسته است خواسته‌های متمدنانه و مترقیانه‌ای را در جامعه بین‌المللی به پیش ببرد.

از جمله موضوعاتی که در مورد آن توافق جهانی وجود دارد، عبارتند از:

- تقریباً همه دولت‌ها از گسترش اعضای غیردائم شورای امنیت طرفداری می‌کنند، گرچه هیچ جماعی در مورد تعداد کرسی‌های اضافی وجود ندارد. اکثریت دولت‌ها با افزایش تعداد اعضای دائم موافق بوده، اما سایر اعضا (از جمله اعضای دائم فعلی) به شدت مخالف این امر هستند.

- اکثریت دولت‌ها در مجمع عمومی خواهان حذف یا محدودیت حق وتو هستند. پنج عضو دائم این طرح را مطلقاً رد می‌کنند. در نتیجه اختلاف نظر گسترده‌ای در شورای امنیت در مورد تخصیص وتو به اعضای دائم جدید وجود دارد.

۶-۲-۲. اصلاح حق وتو

همگام با تلاش‌هایی که طی سال‌های گذشته در سازمان ملل در زمینه تغییر ترکیب و افزایش اعضای دائم شورای امنیت صورت می‌گرفت تا بر کارایی و نقش‌آفرینی سازمان ملل افزوده شود، مسئله اصلاح و تجدیدنظر در حق وتو هم از سوی بسیاری عنوان می‌شد. حق وتویی که در ماده ۲۷ منشور گنجانده شد، پیامد اوضاع و احوال تاریخی غالب در پایان جنگ جهانی دوم بود. بر این اساس، محور اصلی حق وتو پنج قدرت بزرگ آمریکا، شوروی، انگلستان، چین و فرانسه بودند. طبق پیش‌بینی این ماده، اتفاق آرای قدرت‌های بزرگ، اختلافات احتمالی بین آن‌ها را از بین می‌برد و باعث می‌شد که قدرت‌های بزرگ با هم در ارتباط باشند. اما جهان معاصر کاملاً با جهان ۱۹۴۵ متفاوت است؛ اوضاع و احوالی که منشور را به سوی حق وتو رهنمون می‌کرد، از بین رفته و عمده دلایل دفاع از حق وتو دیگر قانع‌کننده نیستند. مقایسه شرایط به وجود آمدن منشور با جهان معاصر، ضرورت تجدیدنظر در آن را به وجود آورده است. این در حالی است که ماده ۲۷ منشور تغییر نکرده است (فاسبندر^۱، ۲۰۰۴م، ص ۳۵۹).

ریشه‌های حق وتو به سیاست عمل‌گرایانه تضمین مشارکت اعضای دائم در سیستم امنیتی سازمان ملل برمی‌گردد. علی‌رغم درخواست مصرانه برای حذف وتو، اعضای دائم هیچ‌گونه اقدامی برای واگذاری امتیاز ویژه خود انجام نمی‌دهند. روشن است که پنج عضو دائم کنونی به میل خود از

حق و تو صرف نظر نخواهند کرد و طبق مقررات منشور نمی‌توان آن‌ها را مجبور به انجام چنین کاری کرد. به همین دلیل، بحث بیشتر پیرامون این مسئله است که آیا باید به اعضای دائم جدید حق و تو اعطاء شود؟ یا و تو حذف گردد. بعید است که پیشنهاد وتوی دو یا چند عضو دائم از سوی ایالات متحده و دیگر اعضای دائم کنونی مورد پذیرش قرار گیرد. توافق داوطلبانه میان اعضای دائم جهت استفاده از حق و تو فقط در رابطه با تصمیمات تحت فصل هفت منشور (برای مثال عدم و تو در انتخاب دبیرکل سازمان ملل) تاحدی واقع‌بینانه به نظر می‌رسد؛ گرچه فرانسه و انگلستان از این موضوع دفاع کردند (مالون^۱، ۲۰۰۴م، ص ۷۹).

۶-۳. موانع اصلاح ساختار شورای امنیت

گسترش عضویت شورای امنیت با موانع آشکاری همراه است؛ شورای امنیت بزرگ‌تر برای تصمیم‌گیری به زمان بیشتری احتیاج خواهد داشت و مذاکرات آن طولانی‌تر نیز خواهد شد. اختلافات منطقه‌ای بر سر کسب کرسی‌های دائم می‌تواند به‌آسانی به عامل مخرب سیاست‌های سازمان ملل تبدیل شود و توجهات را از بحران‌های واقعی منحرف سازد. علاوه بر آن، گسترش شورای امنیت می‌تواند تصمیمات گرفته شده در شورا را تغییر دهد؛ بدین صورت که ممکن است برخی از کشورهای خواهان عضویت نسبت به استفاده از نیروی نظامی به هر منظور اکراه داشته باشند و برخی کشورها هم در قالب خودمختاری کشورها با دخالت در جنگ‌های غیرنظامی مخالفت کنند. بنابراین، کشورها اغلب براساس منافع ملی‌شان رأی می‌دهند. در نتیجه گسترش شورای امنیت می‌تواند به تضعیف اقدامات مؤثر چندجانبه منجر شود. در ادامه به‌طور مختصر به برخی موانع اصلاح ساختار شورای امنیت اشاره می‌شود.

۶-۳-۱. یک‌جانبه‌گرایی آمریکا

اقدامات یک‌جانبه‌گرایانه ایالات متحده آمریکا که خود را محور اصلی تعیین‌کننده نظم نوین بین‌المللی می‌داند، بخصوص تعبیر جنگ پیش‌دستانه و تهاجم نظامی به عراق بدون مجوز شورای امنیت، برداشت‌های خوش‌بینانه از نظام جدید بین‌المللی را با چالش جدی مواجه ساخته است (بعیدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۴۹).

یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده به‌ویژه بعد از ۱۱ سپتامبر و بی‌اعتنائی آن به شورای امنیت در جریان حمله به عراق، موجب شده است که افکار جامعه جهانی تا حدی از مسئله اصلاح شورا به مسئله کنترل قدرت ایالات متحده معطوف شود. لذا، رویه‌ای که ایالات متحده در شورا دنبال می‌کند، مانع

مهمی در زمینه اصلاح شورای امنیت است.

۶-۳-۲. حق وتوی اعضای دائم

هرگونه اصلاح شورای امنیت نیاز به تغییر منشور دارد و این تنها با موافقت اعضای دائم شورای امنیت و دوسوم اکثریت اعضای مجمع عمومی عملی می‌شود. تغییر در حق وتو غیرممکن به نظر می‌رسد؛ چون بعید است که اعضای دائم با تفویض بخشی از اختیارات خود و گسترش تعداد اعضای دارای حق وتو یا حذف آن، موافقت کنند. با اینکه اصلاح ترکیب شورای امنیت حداقل بر روی کاغذ قابل تصور است، اما سیاست پشت توافق در مورد تغییرات، این امر را نامحتمل می‌سازد. بعید است که اعضای دائم با اصلاح حق وتو موافقت نمایند (ویس، ۲۰۰۳م، ص ۱۳۲)، بنابراین، می‌توان گفت که وتو خود به مانع مهمی در روند اصلاحات شورای امنیت تبدیل شده و منشور ملل متحد فرآیند پیچیده‌ای را برای انجام اصلاحات در نظر گرفته است که احتمال تحقق آن را دشوار می‌سازد.

ناکارآمدی شورای امنیت به علت قدرت کشورهای است که حق وتو در اختیار دارند. اعضای شورای امنیت باید تصمیم بگیرند که چگونه حق وح فوق قوانین و مقررات تصمیم‌گیری، اختیارات و سایر موارد در شورای امنیت، بین اعضاء تقسیم شود.

زمانی که شورای امنیت می‌خواهد از نیروهای نظامی برای ایجاد صلح و امنیت بین‌المللی استفاده کنند، آن‌ها نمی‌توانند همه موارد پیش‌بینی شده را که در آن‌ها استفاده از نیروی نظامی ممکن است اهداف شورای امنیت باشد، پیش‌بینی کنند. اگرچه منشور سازمان ملل به صورت واضح از زور و تهدید به آن «علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری، یا هر روش دیگری که با مقاصد سازمان ملل مبانیت داشته باشد»، ممنوع کرده است (ماده ۲، پاراگراف ۴). منشور همچنین نیز به طور واضح دو موقعیتی را که تحت شرایط آن موقعیت‌ها استفاده از نیرو، اهداف سازمان ملل را دنبال می‌کند، بیان کرده است: دفاع خواه فردی یا دسته‌جمعی علیه حمله مسلحانه (ماده ۵۱) و زمانی که اقدام مشارکتی بر علیه «وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح و یا اقدام تجاوزکارانه صورت گیرد (ماده ۳۹)»، توصیه‌هایی خواهد کرد، یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ صلح یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی چه اقداماتی صورت بگیرد». این مأموریت‌ها منافع جمعی به دنبال دارد. اگرچه که در برخی موارد بعضی کشورها بیشتر از سایرین منفعت می‌برند (بنت و همکاران^۱، ۱۹۹۴).

۶-۳-۳. عدم توافق اعضاء در مورد طرح‌های اصلاحی

براساس ماده ۱۰۸، اصلاح منشور فرایندی دو مرحله‌ای دارد: نخست دوسوم اعضای مجمع عمومی باید قطعنامه‌ای را مبنی بر اصلاح منشور تصویب کنند. ثانیاً، دوسوم دولت‌های عضو از جمله پنج عضو دائم باید اصلاحیه را در زمان مشخصی به تصویب برسانند. به‌منظور هرگونه تغییر در ترکیب شورای امنیت لازم است که در منشور تجدیدنظر صورت گیرد. هرگونه تغییر اساسی از جمله تغییر در منشور، ضرورتاً باید مورد حمایت جامعه بین‌المللی باشد (منشور ملل متحد، ماده ۱۰۸).

توماس وایس، چند راهکار برای این اصلاحات مطرح می‌کند:

(۱) طراحی مجدد منافع ملی در روابط بین‌الملل در قالب شهروند جهانی صورت بگیرد و همه دولت‌ها باید مسئولیت جهانی داشته باشند.

(۲) خارج شدن از تقسیم‌بندی شمال و جنوب.

(۳) انسجام‌بخشی به فعالیت‌های سازمان ملل.

(۴) تجدید نیروهای سازمان ملل به‌گونه‌ای که کادر اجرایی آن به‌روز و ماهر باشد.

منابع

- آقایی، داود (۱۳۸۲). *سازمان‌های بین‌المللی*. تهران: نسل نیکان.
- آقایی، داود (۱۳۸۴). *تقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی*. تهران: نسل نیکان.
- اسدی، محمد (۱۳۹۸). *مسئولیت حمایت و شورای امنیت سازمان ملل متحد (۲۰۱۷-۲۰۰۶)*. رساله دکتری حقوق بین‌الملل. دانشگاه خوارزمی، پردیس بین‌الملل.
- امیری وحید، مجتبی (۱۳۸۴). *سازمان ملل متحد در سده بیست و یکم، نگاهی به اصلاحات محتوایی و ساختاری سازمان ملل متحد. اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۱۴-۲۱۳.
- بابایی، مجتبی (۱۳۹۴). *تقش مصلحت در شورای امنیت سازمان ملل متحد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور استان تهران.
- بعیدی‌نژاد، حمید؛ دریایی، محمدحسن؛ علی‌آبادی، مهدی (۱۳۸۴). *تحول در ساختار نظام ملل متحد*. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- چهل تنی، سید مهدی (۱۳۸۸). *اصلاحات در شورای امنیت با در نظر گرفتن خاص برحق وتو*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته حقوق بین‌الملل. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- دانشمند، ندا (۱۳۹۸). *تحلیل حقوقی تاثیر تحریم‌های شورای امنیت بر عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس.
- رحیمی دستجردی، سهیلا (۱۳۹۱). *موارد کاربرد حق وتوی شورای امنیت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
- سجادپور، سید محمدکاظم؛ آقامحمدی، زهرا (۱۳۹۴). *شورای امنیت، قدرت‌های بزرگ و عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد، چارچوب‌های مفهومی و کارکردهای عملیاتی*. *آفاق امنیت*، ۸(۲۸)، ص ۱۸۸-۱۶۱.
- سیمبر، رضا (۱۳۷۴). *اصلاحات در سازمان ملل پس از جنگ سرد*. *سیاست خارجی*، ۹(۳).
- مجتهدی، شبنم (۱۳۹۱). *علل حقوقی ناکارآمدی شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل. واحد بین‌الملل دانشگاه شیراز.
- مطلبی، مسعود (۱۳۸۵). *اصلاح ساختار سازمان ملل به روش امریکایی*. *زمانه*، شماره ۴۹، ص ۶۲-۵۷.
- ملکی، عباس (۱۳۷۴). *تقویت ملل متحد، راهبردهای آینده*. *سیاست خارجی*، ۹(۳)، ص ۲۶-۱۱.
- هیوم، کامرون (۱۳۷۶). *سازمان ملل متحد، ایران و رژیم بعث عراق*. *ترجمه هوشنگ راسخی*.
- Afoaku Osita, G. & Ukaga, O. (2001). United nations security council reform: a critical analysis of enlargement options. *Journal of third world studies*, 18(2).
- Axelrod, R. (1998). *How to Negotiate for Reform of the UN Security Council*.
URL= <http://www-personal.umich.edu/~axe/>
- Baker, J.A. (1995). *The Politics of Diplomacy: Revolution, War and Peace, 1989-1992*. New York: Putnam's Sons.
- Bennett, A., Lepage, J. & Unger, D. (1994). Burden-Sharing in the Persian Gulf War. *International Organization*, 48(1), p. 39-75.

- Blume, Y. (2005). Proposal for UN Security Council Reform. *The American Journal of International Law*, Vol. 99.
- Bourantonis, D. (2005). *The History and Politics of UN Security Council Reform*. London: Routledge.
- Campos, R. (2018). *U.S. vetoes U.N. resolution denouncing violence against Palestinians*. World News. URL= <https://www.reuters.com/article/world/us-vetoes-un-resolution-denouncing-violence-against-palestinians-idUSKCN1IX5UV/>
- Emmanuela, F. (2018). *The Security Council's sine qua non: The Veto Power*. School of arts and sciences.
- Fassbender, B. (2004). *Pressure for Security Council Reform*. In: D.M. Malone (ed.), *The UN Security Council: From the Cold War to the 21st Century*. Boulder, CO: Lynne Rienner, p. 341–356.
- Flamini, R. (2005). *Battle Over Security Reform*. URL= <http://www.wpherald.com/soryview.php?storyID=2005081212-033804-690Ir>
- Hurd, I. (2008). Myths of Membership: The Politics of Legitimation in UN Security Council Reform. *Global Governance*, 14 (2).
- Ikenberry, G.J. (2001). *After Victory: Institutions, Strategic Restraint, and the Rebuilding of Order After Major War*. Princeton, NJ: Princeton UP.
- Luck, E.C. (2002). *The United States, International Organizations, and the Quest for Legitimacy*. In: S. Patrick & S. Forman (eds), *Multilateralism and U.S. Foreign Policy*. London: Lynne Rienner, p. 47–74.
- Luck, E.C. (2006). *Reforming the United Nations: Lessons from a History in Progress*. New Haven, CT: Academic Council on the United Nations System, Working paper.
- Malone, D.M. (2004). *The UN Security Council: from the cold war to the 21st century*, Boulder, Colo. London: Lynne Rienner.
- Martini, E. (2009). *UN Security Council Reform Current Development*. URL= <http://www.iai.it/pdf/DocIAI/iai0926.pdf>
- McCulloch, A. & Vandeginste, S. (2019). Veto power and power-sharing: insights from Burundi (2000–2018). *Journal Democratization*, 26(7).
- Melling, G. (2017). The Security Council veto and Syria: responding to mass atrocities through the “Uniting for Peace” resolution. *Indian Journal of International Law*, 57(3-4), p. 285–307.
- Nichols, M. (2019). Russia casts 13th veto of U.N. Security Council action during Syrian war. *Reuters News*, URL= <http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-un-vote-idUSKBN17E2LK>
- Nielson, D. & Tierney, M. (2003). Delegation to International Organizations: Agency Theory and World Bank Environmental Reform. *International Organization*, 57(2), p. 241–76.
- Russett, B. (2005). *Security Council Expansion: Can't and Shouldn't*. In: *Reforming the United Nations for Peace and Security*. New Haven, CT: Yale Center for the Study of Globalization, p. 153–66.
- Schlichtmann, K. (2001). A Draft on Security Council Reform. *Peace & Change*, 24(4), p. 505-535.

-
- Tammen, R.L. (2000). *Power transitions, strategies for the 21 st century*. Chatham house publishers. NewYork & London.
- Voeten, E. (2005). The Political Origins of the United Nations Security Council's Ability to Legitimize the Use of Force. *International Organization*, 59(3), p. 527–57.
- Weiss, T. (2003). *Overcoming the Security Council Reform Impasse: The Implausible versus Plausible*. URL= <http://wenku.baidu.com/view/bf022feb6294dd88d0d26bd7.html>